



## به نام ایزد پاکی ها

بچه های عزیز سلام . امیدوارم خوب باشید و جشن یلدا به همه ی شما خوش گذشته باشد . آقای قلم از طرف همه ی بچه ها از مدیر بزرگوار و همه ی پرسنل مجتمع عماد نهایت سپاس و تشکر را دارد و از خداوند بزرگ سعادت و سلامت روز افزون را برای همه ی خوبان این مجموعه خواهان است .

عزیزان من امروز می خواهم داستان افسانه ای آرش کمانگیر را برایتان بنویسم .

## آرش کمان گیر

از آن خوانند آرش را کمان گیر که از آمل به مرو انداخت یک تیر

با یاد آوری این که هر افسانه ای ، ریشه ای هر چند کوچک در راستی دارد ؛ افسانه ی آرش کمان گیر به قرار زیر است :

در زمان های قدیم بین کشور ایران و توران جنگی صورت گرفت ، لشکر ایران شکست خورد و تورانیان آن ها را در مازندران به محاصره ی خویش در آوردند .

مطابق صحبت هایی که ایرانیان با تورانیان داشتند ، قرار بر این شد که مرز بین ایران و توران مشخص شود .

آرش کمانگیر که از بهترین پهلوانان ایران زمین بود ، قبول کرد که این تیر را پرتاب کند . هنگام انداختن تیر همه ی مردم ایران چشم به آرش دوخته بودند . او که همانند همه ی ایرانیان آن زمان، دلی پاک و ایمانی استوار داشت ، با خدای خود به راز و نیاز پرداخت . آن گاه فرشته ای بر وی ظاهر شدو تیر کمانی به او داد . فرشته به او گفت : « این تیر بسیار دور می رود ولی کسی که این تیر را پرتاب کند ، جان خود را از دست خواهد داد.

با این وجود آرش برای فداکاری حاضر شد ؛ تا از آن تیر و کمان استفاده کند . پس آرش به بالای کوه دماوند رفت و تیر را پرتاب کرد . تیر از صبح تا غروب پیش رفت ، تا در کنار رود جیحون بر تنه ی درخت گردویی فرود آمد . آن جا مرز ایران و توران شد ؛ ولی آرش جان خود را از دست داد و بدن او پاره پاره و در خاک ایران پخش گردید .

## داستان آرش یکی از معروف ترین افسانه های جهان است .

بچه های عزیز : آیا می دانید تفاوت افسانه و داستان چیست ؟ جواب را برای معلمین گرامیتان بنویسید .

دوستدار شما آقای قلم

مجتمع آموزشی فرهنگی عماد

۱۳۹۲/۱۰/۰۹